

آیات قرآن و روایات دربارهٔ حضرت مهدی (ع)

(عنا وهدانی بنام)*
مینا وهدانی بنام**

چکیده

قرآن کریم، چشمه زلال ناب ترین معارف الهی و ماندگارترین حکمت ها و دانش های مورد نیاز بشر است. کتابی است سراسر راستی و درستی که خبرهای گذشته و آینده جهان را بیان کرده است و هیچ حقیقتی را فروگذار نکرده است. البته روشن است که حجم بسیار گسترده حقایق عالم در ژرفای آیات الهی نهفته است و تنها آنها که به عمق معانی آن دست یابند به آن واقعیات پی خواهند برد و آنان اهل قرآن و مفسران حقیقی آن یعنی: پیامبر اکرم (ص) و خاندان پاک او هستند. با تاسی از حدیث آن حضرت مقاله حاضر را با عنوان تفسیر آیات قرآنی و تجلی آن در روایات دربارهٔ حضرت مهدی (ع) مورد تحقیق و پژوهش قرار دادیم. بنابر این با توجه به زیاد بودن آیات مهدوی گلچینی از این آیات به نیت ۱۲ امام معصوم (ع) را انتخاب نموده و نگارندگان کوشیده اند تا این موضوع را در پرتو آیات قرآنی و روایات با استفاده از تفاسیر و کتب حدیثی معتبر و غیره مورد تحقیق

*مدرس دانشگاه

**مدرس دانشگاه

قرار دهند.

کلید واژه ها: قرآن کریم، امام مهدی (ع)، آیات قرآنی، تفسیر، روایات، تجلی.

مقدمه

آخرین امام شیعیان و دوازدهمین جانشین رسول خدا (ص) در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه. ق [۸۶۸ م] در سامرایکی از شهرهای عراق، دیده به جهان گشود. نام آن حضرت «محمد» همان نام جد بزرگوارشان پیامبر (ص) است. لقب های مشهور آن حضرت عبارتند از: مهدی، قائم، منتظر، بقیة الله، حجت، خلف صالح، منصور، صاحب الامر، صاحب الزمان و ولی عصر که معروف ترین آنها «مهدی» است.

مسأله مهدویت و قیام و حکومت جهانی یک منجی عدالت گستر و مصالح عدالت پرور از جمله مسائلی است که نه تنها با فطرت ظلم ستیز و عدالت طلب انسان ها آمیخته و نهادینه شده است، که همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی و بلکه تمامی ادیان آسمانی و حتی مکاتب دیگر آن را باور داشته و پیروان آیین خود را به ظهور آن مژده داده اند.

قیام و انقلاب آخرین سفیر الهی از بزرگترین حقایق جهان است که در آیات فراوانی از قرآن کریم، به آن اشاره شده و روایات بسیاری در تفسیر آن آیات نقل گردیده است.

از جمله آیات مهدوی که در این مقاله مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است عبارتند از: سوره های: انبیاء آیه: ۱۰۵؛ قصص آیه: ۵؛ نور آیه: ۵۵؛ هود آیات: ۸۰ و ۸۶؛ توبه آیات: ۳۲-۳۳؛ زمر آیه: ۶۹؛ لقمان آیه: ۲۰؛ عنکبوت آیه: ۲؛ الرحمن آیه: ۴۱؛ اسراء آیه: ۳۳؛ حدید آیه: ۱۷.

آیه اول: سوره انبیاء

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الأنبياء، ۲۱/۱۰۵)؛

«ما در زبور بعد از ذکر [تورات] نوشتیم که بندگان صالح من وارث [حکومت] زمین

خواهند شد».

تفسیر: آیه مورد بحث، به دنبال آیاتی که پاداش اخروی صالحان را بیان می کند قرار گرفته، و در واقع بیانگر پاداش دنیوی آنان است و پاداش بسیار مهمی که زمینه ساز

سعادت و اجرای احکام الهی و صلاح و نجات جامعه انسانی است. این نکته نیز قابل توجه است که آیه می گوید: ما این وعده را در کتب انبیاء پیشین نیز نوشته ایم، اشاره به این که این وعده تازه نیست بلکه امری است ریشه دار که در مذاهب دیگر نیز آمده است.^۱ نکته ها و پیام های آیه:

۱. «کتب» در اصطلاح از امری حتمی و قطعی خبر می دهد.
 ۲. با توجه به این که «أرض» به طور مطلق تمام کره زمین و سراسر جهان را شامل می شود - مگر قرینه خاصی باشد - این آیه بشارتی است در زمینه حکومت جهانی صالحان، و از آنجا که این معنا در گذشته تحقق نیافته است، باید در آینده در انتظار آن بود، و این همان چیزی است که به عنوان «حکومت جهانی مهدی (ع)» از آن یاد می کنیم.^۲
 ۳. مراد از وراثت زمین این است که سلطه بر منابع و استفاده از آن از دیگران به بندگان صالح منتقل شده و برکات زمین نصیب ایشان خواهد شد.^۳
 ۴. وراثت زمین به انسان هایی خواهد رسید که: الف: بنده خداوند بوده و همه وجودشان را برای خداوند قرار داده باشند. «عبادی» ب: صالح و شایسته بوده و لیاقت بهره برداری از آن را دارا باشند. «الصَّالِحُونَ».^۴
- روایات: در بعضی از روایات صریحاً این آیه تفسیر به یاران مهدی (ع) شده است: چنان که در مجمع البیان ذیل همین آیه از امام باقر (ع) چنین می خوانیم: «هم أصحاب المهدی فی آخرالزمان؛ بندگان صالحی را که خداوند در این آیه به عنوان وارثان زمین یاد می کند یاران مهدی (ع) در آخرالزمان هستند».^۵
- در تفسیر قمی نیز در ذیل این آیه چنین آمده است: «إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ، قال القائم و أصحابه؛ منظور از این که زمین را بندگان صالح خدا به ارث می برند مهدی قائم (ع) و یاران او هستند».^۶
- در کتاب «نور الأبصار» چنین آمده است: «تواتر الأخبار عن النَّبِيِّ (ص) على أنَّ المهدی من أهل بيته و أنه يملا الارض عدلاً؛ اخبار متواتری از پیامبر (ص) به ما رسیده است که مهدی از خاندان او است و تمام روی زمین را پر از عدالت می کند».^۷

آیه دوم: سوره قصص

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»
(القصص، ۲۸/۵)؛ «ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

تفسیر: این آیه مربوط به داستان حضرت موسی (ع) است خداوند می فرماید: موسی (ع) در عصری به دنیا آمد و بزرگ شد که فرعون طغیان کرده و ادعای ربوبیت داشت. او بنی اسرائیل را به استضعاف کشانده و دستور قتل فرزندان آنان را داده بود و می خواست آنها را نابود کند، در حالی که اراده خداوند چیز دیگری بود. او می خواست بر آنان منت گذارد و آنان را پیشوا قرار دهد تا پس از سال ها، پیشوا و وارث در زمین باشند، پس از آن که زمین در دست دیگران بوده و آنان را در زمین قدرت دهد و حکومت قوی و پابرجا به آنان ارزانی دارد تا بتوانند از آن استفاده کنند.

هر چند ظاهر آیه بیان یک قسمت از حوادث روزگار قوم بنی اسرائیل است. ولی در این جا از فعل مضارع استفاده شده که دلالت به استمرار دارد و می گوید: «اراده دائمی و سنت ما چنین است که مستضعفان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم».^۸
نکته ها و پیام های آیه:

۱. این آیه مربوط به حکومت جهانی و انقلاب نورانی حضرت مهدی (ع) است.
 ۲. این آیه بشارتی است برای همه حق پرستان و عدالت خواهان که حکومت ظلم و جور دائمی نیست و در نهایت، پیروزی برای رنج دیدگان خواهد بود.^۹
 ۳. خداوند در آیه، تعبیر «مَنْت» را آورده است و مَنْت بر دو نوع است: فعلی و قولی، مَنْت فعلی به معنای لطف عظیم است و مَنْت قولی به معنای به رخ کشیدن نعمت است. در آیه شریفه مراد از مَنْت همان لطف عظیم است.
 ۴. با توجه به آیه: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا» (آل عمران، ۳/۱۶۴)؛ «همانا خداوند بر مومنان مَنْت نهاد که در میان آنان رسولانی برانگیخت» از کلمه «مَنْت» در آیه می توان شباهت هایی بین حکومت پیامبر اکرم (ص) و امام زمان (ع) ذکر کرد.^{۱۰}
- روایات: این آیه از جمله آیاتی است که ناظر به مستضعفان محروم و پیروان راه حق است، که سرانجام جهان از آن شایستگان ایشان خواهد شد. و این امر، در زمان ظهور

حجت بالغه است. در نهج البلاغه از علی (ع) چنین آمده است: «لتعطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الضروس على ولدها و تلاعقيب ذلك» «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ» (القصص، ۲۸/۵)؛ دنیا پس از چموشی و سرکشی - همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند، و برای بچه اش ننگه می دارد و به ما روی می آورد. سپس آیه: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ» را تلاوت فرمود.^{۱۱}

و در حدیث دیگری از همان امام بزرگوار آمده است که در تفسیر آیه فوق فرمود: «هم آل محمد (ص) یبعث الله مهديهم بعد جهدهم، فيعزهم و يذل عدوهم؛ مقصود از [مستضعفان] خاندان پیامبر (ص) هستند، خداوند مهدی آنان را بعد از فشار و زحمتی که بر آنان وارد می شود برمی انگیزد و به آنها عزت می دهد و دشمنانشان را خوار و ذلیل می کند». ^{۱۲}

آیه سوم: سوره نور

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (النور، ۲۴/۵۵)؛ (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند وعده داده که آنها را به یقین خلیفه روی زمین کند، آن گونه که پیشینیان آنها را خلافت [روی زمین] بخشید، و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده است پابرجا و ریشه دار سازد، و بیم و ترس آنها را به آرامش و امنیت مبدل کند، آن چنان می شود که تنها مرا می پرستند، و چیزی را شریک من نخواهد کرد. و کسانی که بعد از آن کافر شوند آنها فاسقند).

تفسیر: در این آیه با صراحت به مؤمنان صالح بشارت داده شده است که سرانجام حکومت روی زمین را در دست خواهند گرفت، و دین اسلام فراگیر خواهد شد، و ناامنی ها و وحشت ها به آرامش و امنیت مبدل می گردد، شرک از سراسر جهان برچیده می شود، و بندگان خدا با آزادی بر پرستش خدای یگانه ادامه می دهند، و نسبت به همگان اتمام حجت می شود، به گونه ای که اگر کسی بعد از آن بخواهد راه کفر را پیوید مقصر و فاسق خواهد بود. ^{۱۳}

در جمله: «لَيْسَتْ خَلْفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» مراد از «خلافت»، ارث دادن زمین به ایشان و مسلط کردن آنان بر زمین باشد. همچنان که در این معنا فرموده: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (الاعراف، ۷/۱۲۸)؛ «زمین از آن خداست، به هر کسی بخواهد آن را ارث می دهد و سرانجام از پرهیزگاران است». و نیز فرموده: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الانبیاء، ۲۱/۱۰۵)؛ «زمین را بندگان صالح من ارث می برند».

به هر حال آیه بشارت و نوید حکومت مؤمنان صالح را بر سراسر جهان می دهد که در مقیاس وسیعی در عصر پیامبر اسلام (ص) و بعد از آن تحقق یافته، هر چند همه جهان را فرا نگرفت، ولی نمونه ای از تحقق این وعده الهی بود، اما به صورت حکومت جهانی بر تمام روی زمین، هنوز تحقق نیافته و مصداق نهایی آن با فراهم شدن زمینه ها به مشیت الهی با حکومت حضرت مهدی (ع) تحقق خواهد یافت. ۱۴

نکته ها و پیام های آیه:

۱. پیامبر اکرم (ص) در آخرین جمع خود در مسیر بازگشت از مکه، در غدیر خم، به فرمان خداوند حضرت علی (ع) را جانشین خود قرار دادند.

در این هنگام آیه نازل شد که امروز خداوند دین اسلام را برای شما پسندید: «وَرَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (المائدة، ۳/۵) در این آیه «وَعَدَ اللَّهُ» نیز مورد وعده خداوند پیروزی آن دینی است که خداوند پسندیده است: «دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» (النور، ۲۴/۵۵) در نتیجه دینی را که خداوند پسندیده، ادامه همان مکتب غدیر خم است. بنابراین دین بدون ولایت مورد رضایت خداوند نیست.

۲. وعده های خداوند شامل کسانی می شود که ایمان همه وجودشان را پر کرده و اعضا و جوارحشان در مسیر بندگی خداست.

۳. وعده های خداوند به مؤمنان چند چیز است: الف: برای آنان جامعه ای صالح مخصوص خود درست کرده و حاکمیت زمین را در اختیار آنان قرار می دهد. این خلافت به معنای مسلط شدن بر کل زمین و استفاده از موهبت های آن است. ب: دینشان را در زمین برتری می دهد، دینی که خدا آن را پسندیده است همانا دین مقدس اسلام است: «وَرَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ «و اسلام را برای شما به عنوان دین پسندیدم».

روایات: بعضی گفته اند: این آیه مربوط به مهدی موعود (ع) است، که اخبار متواتر از ظهورش خبر داده و فرموده که: «زمین را پر از عدل و داد می کند همان طور که پر از ظلم و جور شده باشد» و مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» رسول خدا (ص) و ائمه اهل بیت او (ع) است.

در مجمع البیان در ذیل آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ» گفته است: مفسرین در این که: «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ» چه کسانی اند؛ اختلاف کرده اند؛ و از اهل بیت (ع) روایت شده که منظور مهدی از آل محمد (ع) است. ۱۵

روایاتی که در تفسیر این آیه در منابع مختلف نقل شده نیز این واقعیت را تایید می کند. از جمله قرطبی مفسر معروف در تفسیر «الجامع الاحکام القرآن» ذیل این آیه از سلیم بن عامر از مقداد بن أسود نقل می کند که از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: «لایقی ما علی ظهر الارض بیت حجر و لامدر إلا أدخله الله کلمة الاسلام؛ هیچ خانه ای از سنگ یا گل بر صفحه زمین باقی نمی ماند مگر این که خداوند اسلام را در آن وارد می کند». ۱۶

و در تفسیر «روح المعانی» از امام علی بن الحسین (ع) چنین نقل شده است که در تفسیر این آیه فرمود: «هم والله شیعتنا أهل البيت يفعل ذلك بهم علی یدی رجل منا و هو مهدی هذه الأمة و هو الذی قال رسول الله فيه: لو لم یبق من الدنيا إلا یوم واحد لطول الله تعالی ذلك الیوم حتی رجل من عترتی اسمه اسمی یملاً الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً؛ آنها به خدا سوگند شیعیان ما هستند، خداوند این کار را بر دست مردی از ما انجام می دهد، و او مهدی این امت است، و او همان کسی است که رسول خدا (ص) درباره اش فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی می کند تا مردی از عترت من که نام او نام من است حاکم زمین شود و آن را پر از عدل و داد می کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده باشد». ۱۷

و نیز در «اصول کافی» امام صادق (ع) درباره آیه مورد بحث فرمودند: «منظور از جانشینان زمین، آنان امامان (ع) هستند». ۱۸

آیه چهارم: سوره توبه

«يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُسَمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ* هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (التوبة، ۹/ ۳۲-۳۳)؛
«آنها می خواهند نور خدا را با دهان خویش خاموش کنند ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند هر چند کافران کراهت داشته باشند. او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیین ها غالب گرداند هر چند مشرکان ناخوش دارند».

تفسیر: بی شک تفسیر آیه به پیروزی منطقی آن هم به صورت وعده ای برای آینده مفهوم درستی ندارد، زیرا پیروزی منطقی اسلام از همان آغاز آشکار بود، به علاوه ماده «ظهور» و «اظهار» «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» به طوری که از موارد استعمال آن در قرآن مجید استفاده می شود، به معنای غلبه خارجی و عینی است چنان که در داستان اصحاب کهف می خوانیم: «إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ» (الکهف، ۱۸/ ۲۰)؛ «اگر آنها بر شما دست یابند و پیروز شوند سنگسارتان خواهند کرد».

و در سوره توبه می خوانیم: «كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْجُبُوا فِيكُمْ إِلَّا ذِمَّةً» (التوبة، ۸/ ۹)؛ «چگونه [پیمان آنها ارزش دارد] در حالی که اگر بر شما غالب شوند، نه ملاحظه خویشاوندی با شما را می کنند و نه پیمان را».

بدیهی است نه بت پرستان قوم اصحاب کهف، و نه بت پرستان مکه هرگز پیروزی منطقی بر خداپرستان نداشتند؛ غلبه آنها تنها غلبه خارجی بود، بنابر این منظور از غلبه اسلام بر تمام ادیان، غلبه خارجی و عینی است نه غلبه منطقی و ذهنی.

این غلبه مراحل مختلفی دارد: یک مرحله آن در عصر پیامبر (ص) واقع شد، و مرحله وسیعتر آن در قرون بعد، و در مرحله نهایی به هنگام قیام مهدی (ع) حاصل می شود چرا که آیه شریفه سخن از غلبه اسلام بر تمام ادیان بدون هیچ قید و شرط می گوید و غلبه مطلق و بی قید و شرط در صورتی به طور کامل تحقق می یابد که سراسر روی زمین را فراگیرد. این نکته نیز حائز اهمیت است که جمله «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» در سه ۱۹ سوره از قرآن آمده است.

این تکرار نشان می دهد که قرآن مجید با تاکید هر چه بیشتر این مساله را پی گیری

کرده است. ۲۰

نکته ها و پیام های آیه :

۱. کلمه «اطفاء» به معنای خاموش کردن آتش و یا نور است، و حرف «باء» در کلمه «بافواهِم» برای آلت و سببیت است.

۲. کلمه «هدی» به معنای هدایت الهی است که رسول خدا (ص) را با آن مقارن و همراه داشت.

۳. منظور از «دین حق» دین اسلام و عقاید و احکام آن است که با واقع و حق انطباق دارد. ۲۱

روایات: در تفسیر برهان از صدوق نقل کرده که وی به سند خود از ابی بصیر روایت کرده که گفت: امام صادق (ع) در تفسیر آیه: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ» فرمود: «و الله ما نزل تأويلها بعد و لا ينزل تأويلها، حتى يخرج القائم فاذا خرج القائم لم يبق كافر بالله العظيم و لا مشرك بالإمام إلا كره خروجه؛ به خدا سوگند هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد تا آنکه قائم (ع) خروج کند، وقتی او خروج کرد دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی باقی نمی ماند مگر این که از خروج آن جناب ناراحت می شود»^{۲۲}. زیرا آن جناب عرصه را بر آنان چنان تنگ می گیرد که راه گریزی نمی یابند.

شیخ صدوق در روایتی از امام حسین (ع) نقل می کند: «متا اثنی عشر مهدياً أولهم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع) و آخرهم التاسع من ولدي و هو الإمام القائم (ع) بالحق يحيى الله به الارض بعد موتها و يظهر به دين الحق على الدين كله و لو كره المشركون؛ از میان ما، ۱۲ نفر مهدی است اولین آن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) و آخرین آنها نهمین نفر از فرزندان من است. او امامی است که به حق خداوند به واسطه او زمین را زنده می کند بعد از آن که مرده شده باشد و به واسطه او دین حق را به همه ادیان پیروز می کند هر چند مشرکان کراحت داشته باشند»^{۲۳}.

محمدبن فضیل می گوید: از امام کاظم (ع) درباره خداوند: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» پرسیدم ایشان فرمودند: «ليظهره على جميع الأديان عند قيام القائم (ع)، هنگام قیام قائم خداوند دین اسلام را بر همه دین ها چیره می گرداند»^{۲۴}.

آیه پنجم: سوره زمر

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (الزمر، ۳۹/۶۹)؛ «و زمین [در آن روز] به نور پروردگار روشن می شود و نامه های اعمال را پیش می نهند، و پیامبران و گواهان را حاضر می سازند، و در میان آنها به حق داوری می شود، و به کسی ستم نخواهد شد».

تفسیر: مراد از روشن شدن زمین به نور پروردگار از خصوصیات روز قیامت است و کنار رفتن پرده ها و حجاب ها و ظاهر شدن حقایق اشیاء و اعمال انسان ها از خیر و شر و اطاعت و عصیان و حق و باطل می باشد.^{۲۵}

درست است که این اشراق الهی در آن روز همه چیز را شامل می شود ولی ذکر خصوص زمین در این میان به خاطر آن است که هدف اصلی بیان حال مردم روی زمین در آن روز است.

بدون شک این آیه مربوط به قیامت است و اگر می بینیم در بعضی از روایات اهل بیت (ع) به قیام مهدی (ع) تفسیر شده در حقیقت نوعی تطبیق و تشبیه است، و تأکیدی برای معنا است که به هنگام قیام مهدی (ع) دنیا نمونه ای از صحنه قیامت خواهد شد، و عدل و داد به وسیله آن امام به حق و جانشین پیامبر (ص) و نماینده پروردگار، در روی زمین تا آنجا که طبیعت دنیا می پذیرد حکمفرما خواهد شد.^{۲۶}

روایات: روایتی که علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود مسنداً از مفضل بن عمر روایت کرده که گفت: از حضرت اَبی عبد الله صادق (ع) شنیدم که درباره آیه شریفه: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»؛ «و زمین به نور پروردگار روشنی یافت» می فرمود: «ربّ الأرض» یعنی: «إمام الارض؛ پروردگار- مربی- زمین یعنی: امام زمین». عرض کردم: هرگاه ظهور کند چه می شود؟ فرمود: «آن هنگام مردم از نور آفتاب و نور ماه بی نیاز می شوند و به نور امام اکتفا می کنند».^{۲۷}

علامه مجلسی در بحار از مفضل نیز روایت کرده که گفت: شنیدم حضرت اَبوعبدالله صادق (ع) فرمود: «هرگاه قائم پیا خیزد زمین به نور پروردگار درخشان گردد، و بندگان از نور خورشید بی نیاز شوند و ظلمت برطرف گردد».^{۲۸}

در همان کتاب از پیامبر اکرم (ص) منقول است که فرمود: «اگر جز یک روز از عمر

دنیا باقی نماند خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد... و زمین به نور پروردگارش تابناک گردد و حکومت او مشرق و مغرب فرا می گیرد».^{۲۹}

آیه ششم: سوره هود

«قَالَ لَوْ أَن لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَي رُكْنٍ شَدِيدٍ» (هود، ۸۰/۱۱)؛ «گفت: [افسوس] ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم؛ یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود».

تفسیر: از ظاهر کلام بر می آید که لوط (ع) بعد از آن که از راه امر به تقوی الله و ترس از خدا و تحریک حس جوانمردی در حفظ موقعیت و رعایت حرمت خویش اندرزشان داد تا متعرض میهمانان او نشوند و نزد میهمانان آبرویش را نریزند و خجالتش ندهند و برای این که بهانه را از دست آنان بگیرد تا آنجا پیش رفت که دختران خود را بر آنان عرضه کرد و ازدواج با دخترانش را پیشنهاد نمود و بعد از آن که دید این اندرز موثر واقع نشد استغاثه کرد و یاری طلب نمود تا شاید در میان آنان رشد یافته ای پیدا شود و هیچ مرد رشیدی یافت نشد تا از او دفاع کند و به یاری او برخیزد بلکه همه با هم به یک صدا گفتند: «قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَمَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا تُرِيدُ» (هود، ۷۹/۱۱)؛ «گفتند تو خوب میدانی که ما را به دختران تو حاجتی نیست و تو خوب میدانی که ما چه می خواهیم». لذا دیگر راهی نیافت جز این که حزن و اندوه خود را در شکل اظهار تمنا و آرزو ظاهر کند و بگوید ای کاش در میان شما یک یار و یآوری می داشتم تا با کمک او شرستماکاران را از خود دور می کردم- و منظورش از این یاور همان رجل رشیدی بود که در استغاثه خود سراغ او را می گرفته- و یا رکنی شدید و محکم می داشتم؛ یعنی: قوم و قبیله ای نیرومند می داشتم تا آنها شر شما را از من دفع می کردند.

بنابراین، در جمله «لَوْ أَن لِي بِكُمْ قُوَّةٌ» «با» حرف جر سببی است و جمله را چنین معنا می دهد: «من به سبب شما؛ یعنی: به این که مردی رشید از شما را منضم و همکار خود کنم ندارم تا او به یاری من قیام کند و شر شما را از من دفع نماید» «أَوْ آوِي إِلَي رُكْنٍ شَدِيدٍ» و یا بتوانیم خود را به رکنی شدید بچسبانم و به قوم و قبیله ای منضم کنم که قدرتی منیع داشته باشند و آنان شما را از من دفع کنند»، این آن معنایی است که با در نظر گرفتن زمینه گفتار، از آیه شریفه استفاده می شود.^{۳۰}

نکته ها و پیام های آیه :

۱. مصدر «آوی» و مصدر میمیی «مأوی» که ماضی «أوی» و مضارع «یأوی» از آن گرفته شده به معنای چسبیدن و منضم شدن به چیزی است و چون به باب افعال می رود معنای منضم کردن به آن را می دهد، گفته می شود: «فلان آواه الیه» «یوویه الیه» یعنی: فلانی آن شخص و یا آن چیز را منضم به خود کرد.
۲. کلمه «رکن» به معنای هر چیزی است که ساختمان، بعد از بنیان بر آن تکیه دارد - مانند ستون و پایه - ۳۱.

روایات: در حدیثی از امام صادق (ع) می خوانیم که: در تفسیر آیه: «قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ» فرمود: «منظور از «قوه» همان «قائم» است و «رکن شدید» ۳۱۳ نفر یارانش» ۳۲.

در کمال الدین از حضرت امام صادق (ع) آمده که فرموده: «این که لوط (ع) به قومش گفت: «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ» کاش نیرویی داشتم که در برابر شما ایستادگی کنم یابه پناهگاه محکمی پناه می بردم». مقصودش جز این که نیروی قائم (ع) را تمنا کند و رکن شدید [پناهگاه محکم] یاران او هستند که یک مرد از آنها قوت چهل مرد را دارد و دلش از کوه آهنین، و شمشیرها را کنار نگذارند مگر وقتی که خداوند راضی شده باشد» ۳۳.

آیه هفتم: سوره لقمان

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ» (لقمان، ۳۱/۲۰)؛ «آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان ها و زمین است مسخر شما کرده، و نعمت های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟! ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خداوند مجادله می کنند!».

تفسیر: مراد از تسخیر آسمان ها و زمین برای انسان، انسانی که آسمان ها و زمین را می بیند، آن نظام و ارتباطی است که از اجزای عالم مشاهده می کنیم، و می بینیم که چگونه سرپای عالم را در تحت نظامی عام اداره نموده، و انسان را که اشرف اجزای این

عالم محسوس است، شعور و اراده اش را درست کرده و تدبیر می کند، پس می فهمیم که خدای تعالی سرپای عالم را مسخر و محکوم این نظام کرده، تا انسان که شریف ترین اجزای آن است پدید آید و به کمال برسد.

مراد از نعمت های ظاهری بنابراین که خطاب در آیه به مشرکین باشد، حواس ظاهری، از گوش و چشم و اعضای بدن، و نیز سلامتی و عافیت و رزق طیّب و گوارا، و مراد از نعمت های باطنی نعمت های غایب از حس است، مانند شعور و اراده و عقل. و اما بنابر این که خطاب به عموم انسان ها باشد مراد از نعمت های ظاهری آن نعمت های ظاهری مذکور به اضافه دین خواهد بود؛ چون دین نیز از نعمت های محسوسی است که امور دنیا و آخرت مردم را نظام می بخشد. ۳۴

نکته ها و پیام های آیه:

۱. کلمه «اسبغ» به معنای سنگ تمام گذاشتن، و نیز توسعه دادن است.
۲. کلمه «نعم» جمع نعمت است؛ و نعمت در اصل لغت به معنای بنای نو بوده، ولی استعمالش در هر چیزی که سازگار آدمی است، و انسان از آن لذت می برد، غلبه کرده است، و بیشتر در این امور استعمال می شود.
۳. کلمه «مجادله» به معنای بحث و مناظره به منظور غلبه یافتن بر خصم است، و مقابله ای که بین «علم» و «هدی» و «کتاب» انداخته، اشاره دارد به این که مراد از علم حجت های عقلی است که با تحصیل و اکتساب به دست می آید، و مراد از هدایت، آن حقایقی است که خدا از طریق وحی و یا الهام به دل انسان افاضه می کند، و مراد از کتاب، کتاب های آسمانی است که از طریق وحی و نبوت به خدا منتهی و مستند می شود، و به همین جهت که مستند به اوست آن را منیر و روشنگر توصیف کرد، و این طریق از طرق علم است که چهارمی برایش نیست. ۳۵

روایات: وقتی از امام کاظم (ع) در مورد آیه: «وَأَسْبِغْ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» سوال شد، ایشان فرمودند: «نعمت ظاهر و آشکار امام ظاهر است و نعمت باطن و پنهان امام غایب است». پرسیده شد: آیا از امامان کسی غایب می شود؟ ایشان فرمودند: «نعم؛ یغیب عن أبصار الناس شخصه و لا یغیب عن قلوب المومنین ذکرة و هو الثانی عشر منّا، یسهّل الله کل عسیر و...؛ آری چهره اش از دیدگان مردم پنهان می شود لکن یادش از

دل‌های مؤمنان غایب نمی‌شود و او دوازدهمین نفر ما از امامان است، خداوند برای او هر امر سختی را آسان می‌سازد...» ۳۶.

در حدیث دیگری از امام باقر (ع) آمده است: «نعمت آشکار؛ پیامبر (ص) و معرفة الله و توحید است است که پیامبر (ص) آورده، و اما نعمت پنهان؛ ولایت ما اهل بیت (ع) و پیمان دوستی با ما است» ۳۷.

آیه هشتم: سورة الرحمن

«يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ» (الرحمن، ۵۵ / ۴۱)؛ «مجرمان از چهره هایشان شناخته می‌شوند؛ و آنگاه آنها را از موهای پیش سر، و پاهایشان می‌گیرند - و به دوزخ می‌افکنند -».

تفسیر: آری، در آن روز سؤال نمی‌شود، بلکه «مجرمان با قیافه هایشان شناخته می‌شوند».

گروهی دارای چهره‌های بشاش، نورانی و درخشانند که بیانگر ایمان و عمل صالح آنهاست، و گروهی دیگر، صورت هائی سیاه، تاریک، زشت و عبوس دارند که نشانه کفر و گناه آنهاست، چنان‌که در سوره «عبس» می‌خوانیم: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ * ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ * وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ * تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ» (عبس، ۳۸/۸۰-۴۱)؛ «در آن روز، چهره‌های درخشان و نورانیند، خندان و مسرورند، و چهره‌های تاریک، که سیاهی مخصوص آن را پوشانیده». سپس می‌افزاید: «آنگاه آنها را با موهای پیش سر، و پاهایشان می‌گیرند، و به دوزخ می‌افکنند». گرفتن مجرمان با موی پیش سر، پاها، ممکن است به معنای حقیقی آن باشد که، مأموران عذاب این دو را می‌گیرند و آنها را از زمین برداشته، بانهایت ذلت به دوزخ می‌افکنند، و یا کنایه از نهایت ضعف و ناتوانی آنها در چنگال مأموران عذاب الهی است که، این گروه را با خواری تمام به دوزخ می‌برند و چه صحنه دردناک و وحشتناکی است آن صحنه؟

نکته‌ها و پیام‌های آیه :

۱. «نواصی» جمع «ناصیه» چنان‌که راغب در مفردات می‌گوید: در اصل به معنای موهای پیش سر، و اخذ به ناصیه به معنای گرفتن موی پیش سر است، و گاه کنایه از غلبه

کامل بر چیزی می آید.

۲. «اقدام» جمع «قدم» به معنای پاها است. ۳۸

روایات: دلیل بر آن، اخبار مستفیض بلکه متواتری است که درباره آیه آمده، چنان که در «بحار الأنوار» و غیر آن از کتاب «الاختصاص» از معاویه دهنی، از حضرت امام جعفر صادق (ع) درباره آیه: «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ» (الرحمن، ۴۱/۵۵)؛ «مجرمان از چهره هایشان شناخته می شوند که از موهای پیشانی و پاهای آنان گرفته [و به دوزخ] افکنده شوند»، «ای معاویه! در این باره چه می گویند؟» گفتم: می پندارند که خداوند تبارک و تعالی در قیامت، مجرمین را به چهره هایشان می شناسد، پس امر می کند از پیشانی و پاهایشان آنان را می گیرند، و به آتش می افکنند. فرمود: «چگونه خداوند به شناختن خلایقی که آنها را آفریده نیاز دارد؟». گفتم: فدایت شوم پس - معنای - این آیه چیست؟ فرمود: «هرگاه قائم [ع] ما پیا خیزد خداوند شناخت چهره ها را به آن حضرت عطا فرماید. آن گاه امر می کند کافران را با پیشانی هایشان و قدم هایشان بگیرند. سپس از دم شمشیر می گذارند». ۳۹

و در کتاب «المحجة» از ابوبصیر از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: «این آیه درباره قائم [ع] ما نازل شده و اوست که آنها را به چهره هایشان می شناسد، پس او و اصحابش آنها را از دم شمشیر می گذرانند». ۴۰

آیه نهم: سوره هود

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (هود، ۸۶/۱۱)؛ «آنچه خداوند برای شما باقی گذارده [از سرمایه های حلال]، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید». تفسیر: در این آیه مورد بحث، مخاطب قوم «شعیب» اند و منظور از «بَقِيَّةُ اللَّهِ» سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است، ولی هر موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردد، «بَقِيَّةُ اللَّهِ» محسوب می شود. از آنجا که، مهدی موعود (ع) آخرین پیشوا و بزرگ ترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر اسلام (ص) است، یکی از روشن ترین مصادیق «بَقِيَّةُ اللَّهِ» و از همه به این لقب شایسته تر است، به خصوص که تنها باقیمانده بعد از پیامبران و امامان است. ۴۱

نکته ها و پیام های آیه :

۱. تعبیر به «بَقِيَّةُ اللَّهِ» یا به خاطر آن است که سود حلال اندک، چون به فرمان خدا است «بَقِيَّةُ اللَّهِ» است.

۲. یا این که تحصیل حلال، باعث دوام نعمت الهی و بقای برکات می شود.

۳. و یا این که، اشاره به پاداش و ثواب های معنوی است که تا ابد باقی می ماند هر چند دنیا و تمام آنچه در آن است فانی است.

۴. تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ «بَقِيَّةُ اللَّهِ» اند. ۴۲

روایات: در تفسیر «نورالثقلین» از «اصول کافی» نقل شده است: مردی از امام جعفر صادق (ع) درباره قائم (ع) پرسید، که آیا می توان او را به هنگام سلام دادن، «یا امیرالمؤمنین» خطاب کرد؟ امام صادق (ع) فرمود: «نه، این اسمی است که خداوند به «امیرالمؤمنین» داده است...». پرسیدم: فدایت شوم، به هنگام سلام دادن به او، چه بگوییم؟ امام صادق (ع) فرمود: «همه باید بگویند: «السلام علیک یا بقية الله». پس امام این آیه را تلاوت کرد: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» ۴۳.

شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین» از امام باقر (ع) حدیثی طولانی نقل کرده است. امام در آن حدیث که سخن از قائم (ع) می گوید، از جمله می فرماید: «هنگامی که قائم [ع] خروج کند، به خانه کعبه تکیه دهد، آنگاه ۳۱۳ تن نزد او گرد آیند. سپس نخستین سخنی که گوید این آیه است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» من بقية الله ام، و حجت خدایم، خلیفه خدایم در میان شما، آنگاه هر مسلمانی که به او سلام دهد، گوید: «السلام علیک یا بقية الله فی أرضه و خلیفته و حجتہ علیکم» ۴۴.

آیه دهم: سوره عنکبوت

«أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (العنکبوت، ۲/۲۹)؛ «آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: ایمان آوردیم به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟». تفسیر: گرچه بیان عمومیت امتحان، برای تمام اقوام و جمعیت ها، اثر سازنده بسیار قابل ملاحظه ای بر مؤمنان مکه که در آن روز در اقلیت شدیدی بودند، داشت، و توجه به این واقعیت آنها را در مقابل دشمنان، سخت مقاوم و شکیبیا می کرد، ولی، این منحصر

به مؤمنان «مکه» نبود، بلکه هر گروه و جمعیتی، به نوعی در این سنت الهی شریک و سهیم اند، و امتحانات خداوند در چهره های گوناگون به سراغ آنها می آید. ۴۵

نکته ها و پیام های آیه :

۱. گروهی، در محیط هائی قرار می گیرند که از هر نظر آلوده است، وسوسه های فساد از هر طرف آنها را احاطه می کند، امتحان بزرگ آنها این است که در چنین جو و شرایطی، هم رنگ محیط نشوند، و اصالت و پاکی خود را حفظ کنند.

۲. مصیبت ها، درد و رنج ها، جنگ و نزاع ها، قحطی و گرانی و تورم و امواج نیرومند هوای نفس و شهوت، هر یک از اینها وسیله آزمایش است بر سر راه بندگان خدا، و در همین صحنه ها است که ایمان و شخصیت و تقوی و پاکی و امانت و آزادگی افراد مشخص می شود.

اما، برای پیروزی در این آزمون های سخت، جز تلاش و کوشش مستمر و تکیه بر لطف خاص پروردگار، راهی نیست. ۴۶

روایات: امام صادق (ع) می فرمایند: «شکی نیست در این که غیبت حضرت، جایگاه امتحان انسان هاست. همان چیزی که مشیت الهی به آن تعلق گرفته است و مصلحت را اقتضا می نماید». آیا خداوند متعال در کتابش یادآوری نفرموده است که امتحان برای مؤمنین از بندگان خواهد بود.

در جایی دیگر امام موسی کاظم (ع) می فرمایند: «هنگامی که پنجمین فرزندم غائب شد، مواظب دین خود باشید تا کسی را از آن بیرون نکند. برای این غیبت آزمونی است که خداوند با آن بندگان را امتحان می کند». ۴۷

و در نهج البلاغه آمده که مردی در محضر حضرت علی (ع) برخاست و گفت، ما را از معنای فتنه خبر بده، و بفرما آیا خودت معنای آن را از رسول خدا (ص) پرسیده ای؟ علی (ع) فرمود: «وقتی آیه: «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» نازل شد، من فهمیدم مادام که رسول خدا (ص) در بین ما است، فتنه ای به ما نازل نمی شود، از رسول خدا (ص) پرسیدم، این فتنه چیست، که خدا از آن به تو خبر داده؟ فرمود: یا علی امت من به زودی بعد از من در بوته فتنه و آزمایش قرار می گیرند». ۴۸

در حدیثی که در «اصول کافی» از بعضی معصومین (ع) در تفسیر آیه: «أَحْسِبِ النَّاسُ

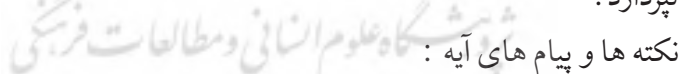
أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» آمده، چنین می خوانیم: «یفتنون كما يفتن الذهب»، ثم قال: «يخلصون كما يخلص الذهب؛ آزمایش می شوند، همان گونه که طلا در کوره آزمایش می شود، و خالص می شوند، همان گونه که فشار آتش، ناخالصی های طلا را از بین می برد و آن را خالص می کند». ۴۹

آیه یازدهم: سوره اسراء

«وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (الإسراء، ۱۷/ ۳۳)؛ «و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولی اش سلطه [و حق قصاص] قرار دادیم؛ اما در قتل زیاده روی نکنند چرا که او مورد حمایت است».

تفسیر: مقصود از این که فرمود: «ما برای ولی مقتول سلطانی قرار دادیم» همین است که او را در قصاص از قاتل سلطنت و اختیار داده ایم.

معنای آیه این است که: کسی که مظلوم کشته شده باشد ما به حسب شرع برای صاحب خون او سلطنت قرار دادیم، تا اگر خواست قاتل را قصاص کند، و اگر خواست خون بها بگیرد، و اگر هم خواست عفو کند، حال صاحب خون هم باید در کشتن اسراف نکند، و غیر قاتل را نکشد، و یا بیش از یک نفر را به قتل نرساند، و بداند که ما یاریش کرده ایم و به هیچوجه قاتل از چنگ او فرار نمی کند، پس عجله به خرج ندهد و به غیر قاتل نپردازد.

نکته ها و پیام های آیه: 

۱. ضمیر در «فَلَا يُسْرِفُ» و در «إِنَّهُ» به «ولی» برمی گردد.

۲. مقصود از «منصور بودن او» همان مسلط بودن قانونی برکشتن قاتل است. ۵۰

روایات: حویزی در تفسیر «نورالثقلین» می گوید: امام محمدباقر (ع) فرمود: «این کس، حسین بن علی (ع) است، که مظلوم کشته شد. و ما بیم اولیاء این خون. هنگامی که قائم ما بیرون آید، خون حسین (ع) را بطلبد.

... و «إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»، آن است که جهان پایان نگیرد، تا انتقام این خون، به دست مردی از آل رسول (ص) گرفته شود، مردی که جهان از قسط و عدل لبریز سازد، همانگونه

که از ستم و بیداد لبریز شده باشد» ۵۱.

امام باقر (ع) در تفسیر آیه: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» فرمود: «مقصود آیه از مظلوم، حسین بن علی (ع) است و ما أهل بیت (ع) ولی او هستیم، قائم ما أهل بیت (ع) نیز هرگاه قیام کند به خون خواهی و انتقام حضرت سیدالشهداء (ع) برمی خیزد و از قاتلین آن حضرت انتقام می گیرد، تا این که می گویند او در خونخواهی زیاده روی می کند» ۵۲.

و در کتاب علل الشرایع از حضرت باقر (ع) منقول است که فرمود: «هنگامی که جدّم حسین (ع) کشته شد، فرشتگان به درگاه خداوند صدا به گریه و ناله بلند کردند و عرضه داشتند: الهی! آیا غفلت می ورزی از کسی که برگزیده تو و فرزند برگزیده ات و بهترین خلق را به قتل رسانده است؟ پس خداوند عزّ و جلّ به آنها وحی فرمود که: ای ملائکه من! آرام باشید، به عزت و جلالم سوگند که حتماً از آنها انتقام خواهم گرفت، هر چند پس از مدت ها باشد. پس خداوند عز و جل برای فرشتگان از روی امامان از فرزندان حسین پرده برداشت، ملائکه خوشحال شدند و متوجه شدند که یکی از آنها ایستاده نماز می خواند، خداوند فرمود: به این قائم، از آنها انتقام می گیرم» ۵۳.

در کتاب المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّه از امام صادق (ع) درباره آیه: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا...» آمده که: «این آیه درباره حسین (ع) نازل شده، اگر ولی او اهل زمین را بکشد اسراف نکرده است، و ولی او قائم (ع) است» ۵۴.

آیه دوازدهم: سوره حدید

«اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (الحدید، ۱۷/۵۷)؛ «بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ زنده می کند. ما آیات [خود] را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید».

تفسیر: در حقیقت این آیه، هم اشاره ای به زنده شدن زمین های مرده به وسیله باران، و هم زنده شدن دل های مرده به وسیله ذکر الله و قرآن مجید، که از آسمان وحی بر قلب پاک محمد (ص) نازل شده است، و هر دو شایسته تدبّر و تعقل است. ۵۵.

روایات: امام صادق (ع) فرمود: «مراد این است که خداوند زمین را به واسطه عدالت

حضرت مهدی (ع) در دوران ظهورش زنده خواهد کرد پس از آن که به سبب ستم سردمداران گمراهی مرده باشد». ۵۶

و در حدیث دیگری از امام باقر (ع) می خوانیم که در تفسیر «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» فرمود: «يُحْيِي اللَّهُ تَعَالَى بِالْقَائِمِ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ یعنی: بموتها کفرأهلها، و الکافر میت؛ خداوند زمین را به وسیله حضرت مهدی (ع) زنده می کند، بعد از آنکه مرده باشد، و منظور از مردن زمین، کفر اهل آن است و کافر همان مرده است». ۵۷

امام حسین (ع) فرمود: «... خداوند به وسیله او - امام مهدی (ع) - زمین را زنده می کند پس از آن که مرده باشد و به وسیله او آئین حق را بر تمامی دین ها پیروز گرداند هرچند مشرکان را خوش نیاید». ۵۸

از حضرت أبو ابراهیم موسی بن جعفر (ع) درباره آیه: «يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» فرمود: «نه به وسیله باران، بلکه خداوند مردانی بر می انگیزاند، پس زمین احیا می شود به خاطر برپایی و زنده شدن عدالت، و اقامه حد در آن از چهل روز باران سودمندتر است». ۵۹

نتیجه گیری

از نمونه های مذکور روشن می شود که برای برداشت حقایق از قرآن، تنها نباید به ظاهر آیات بسنده کرد؛ بلکه بسیاری از واقعیت های عالم در درون آیات قرآن نهفته است که اهل بیت (ع) به عنوان مفسران واقعی قرآن، بیان کننده آن هستند. بنابراین اگرچه آیاتی از قرآن، در ظاهر مربوط به یک رویداد در زمان و مکان خاصی است ولی مانع از آن نیست که در زمان های بعد و برای آیندگان، مصداق پیدا کند و درباره آنان نیز جاری گردد و همین رمز جاودانگی قرآن برای همه نسل هاست.

بنابراین نظام آفرینش دلیل روشنی بر پذیرش یک نظام صحیح اجتماعی در آینده، در جهان انسانیت خواهد بود، و این همان چیزی است که از آیات مورد بحث و احادیث مربوط به قیام «مصلح بزرگ جهانی» - مهدی ارواحنا فداه - استفاده می شود.

۱. پیام قرآن، ۹/۴۲۵.
۲. همان.
۳. ترجمه المیزان، ۱۴/۴۶۵.
۴. تفسیر نمونه، ۱۳/۵۱۵.
۵. مجمع البیان، جزء ۷/۸۲.
۶. نور الثقلین، ۳/۴۶۴.
۷. التاج، ۵/۳۴۳ به نقل از پیام قرآن، ۹/۴۲۹.
۸. ترجمه المیزان، ۱۶/۱۰.
۹. تفسیر نمونه، ۱۶/۲۹.
۱۰. همان/۲۸.
۱۱. نهج البلاغه «فیض الاسلام» کلمات قصار/۲۰۰.
۱۲. الغیبة طوسی/۱۸۴؛ تفسیر نمونه، ۱۶/۳۰.
۱۳. پیام قرآن، ۹/۴۳۲.
۱۴. پیام قرآن، ۹/۴۳۳-۴۳۴.
۱۵. مجمع البیان، ۷/۱۸۰.
۱۶. تفسیر قرطبی، ۷/۴۶۹۲ به نقل از پیام قرآن، ۹/۴۳۴؛ مجمع البیان، ۵/۳۵.
۱۷. روح البیان، ذیل آیه مورد بحث به نقل از پیام قرآن، ۹/۴۳۴؛ الغیبة «شیخ طوسی»/۴۲۵.
۱۸. اصول کافی، ۱/۵۱۰/۴۱۵.
۱۹. التوبة، ۹/۳۳؛ الفتح، ۴۸/۲۸؛ الصف، ۶/۹.
۲۰. پیام قرآن، ۹/۴۳۷-۴۳۹.
۲۱. ترجمه المیزان، ۹/۲۲.
۲۲. تفسیر برهان، ۲/۱۲۱؛ بحار الأنوار، ۵۱/۶۰؛ کمال الدین، ۲/۵۴۹.
۲۳. کمال الدین، ۱/۵۵۸؛ مجمع البیان، ۵/۳۵.
۲۴. اصول کافی، ۱/۴۳۲.
۲۵. ترجمه المیزان، ۱۷/۴۴۷.
۲۶. تفسیر نمونه، ۱۹/۵۴۴-۵۴۵.
۲۷. تفسیر قمی، ۲/۲۵۳.
۲۸. بحار الأنوار، ۵۲/۳۳۰؛ مجمع البیان، ۷/۱۸۰.
۲۹. بحار الأنوار، ۵۱/۷۱.
۳۰. ترجمه المیزان، ۱۲/۵۱۰-۵۱۱.
۳۱. همان/۵۱۰.
۳۲. تفسیر برهان، ۲/۲۲۸؛ بحار الأنوار، ۱۲/۱۷۰ به نقل از نمونه، ۹/۲۲۵.
۳۳. کمال الدین و تمام النعمة، ۲/۵۹۴.
۳۴. ترجمه المیزان، ۱۶/۳۴۲.
۳۵. ترجمه المیزان، ۱۶/۳۴۳.
۳۶. کمال الدین و تمام النعمة، ۲/۵۷.
۳۷. مجمع البیان، ۸/۶۶.
۳۸. تفسیر نمونه، ۲۳/۱۶۸.
۳۹. بحار الأنوار، ۵۲/۳۲۰.
۴۰. المحجّة/۴۱ به نقل از مکیال المکارم، ۱/۱۸۶.
۴۱. تفسیر نمونه، ۹/۲۴۷.
۴۲. همان/۲۴۶-۲۴۷.
۴۳. نور الثقلین، ۲/۳۹۰.
۴۴. کمال الدین، ۱/۶۰۳.
۴۵. تفسیر نمونه، ۱۶/۲۲۰.
۴۶. همان/۲۲۱.
۴۷. الغیبة «شیخ طوسی»/۲۳۸.
۴۸. نهج البلاغه، «فیض الإسلام» خ ۱۵۵/۴۹۰.
۴۹. اصول کافی، ۲/۲۰۵.
۵۰. ترجمه المیزان، ۱۳/۱۲۳.
۵۱. نور الثقلین، ۳/۱۶۳.
۵۲. تفسیر عیاشی، ۲/۲۹۰.
۵۳. علل الشرایع، ۱۶۰ به نقل از مکیال المکارم، ۱/۱۰۶-۱۰۷.
۵۴. المحجّة، ۱۲۷ به نقل از مکیال المکارم، ۱/۱۰۸.
۵۵. تفسیر نمونه، ۲۳/۳۵۵.
۵۶. الغیبة «نعمانی»/۳۳.
۵۷. کمال الدین و تمام النعمة، ۲/۵۸۶.
۵۸. نگین آفرینش/۵۱.
۵۹. المحجّة، ۲۲۲ به نقل از مکیال، ۱/۱۲۴.